

گفتنی است که عموم علماء اهل سنت از آنجا که بیمه‌های تجاری رایج را متضمن جهالت و غرر دانسته و به جهت قمار گونه بودنش قائل به بطلان آن هستند، مدل صحیح بیمه از منظر اسلام را همین بیمه‌ی تعاونی می‌دانند و لذا در حوزه‌ی ضابطه‌مند کردن و شیوه‌های اجرایی آن تلاش‌های فراوانی انجام داده‌اند تا جایی که امروزه موفق‌ترین کشور در پیاده‌سازی این نوع بیمه، کشور مالزی بشمار می‌رود.^۱ فقهاء امامیه برای تصحیح بیمه‌های تعاونی از منظر شرعی چند راهکار ارائه کرده‌اند:

۱. بیمه‌ی تعاونی یک تعهد متقابل و پیمان جمعی باشد — چنانچه به موجب ادله‌ای همچون ﴿وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا﴾^۲ و ﴿وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾^۳ هرگونه پیمان و معاهده‌ی جمعی و متقابل را واجب الوفاء بدانیم، بیمه‌ی تعاونی یک نوع پیمان و معاهده میان عده‌ای خواهد بود که براساس ادله‌ی شرعی پایبند بودن به آن واجب است و موجب به وجود آمدن مسئولیت برای تعهد کنندگان می‌شود.
۲. بیمه‌ی تعاونی یک عقد مستقل عقلانی باشد — عده‌ای از فقهاء (مانند حضرت امام خمینی^۴) معتقدند که آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾^۵ به صورت یک قضیه‌ی حقیقیه است و هر عقدی که در میان مردم یک قرارداد عقلانی بشمار آید و حاوی جهات ممنوعه‌ی شرعی نظیر غرری و ربوی و مجهول نباشد، مشمول آن خواهد بود که بیمه‌های تعاونی نیز از همین قبیل است. شایان ذکر است که به زعم برخی بیمه‌ی تعاونی حتی از عقود مستحدث نیز بشمار نمی‌رود و ولاء جریره‌ای که قبل از بعثت رواج داشته و براساس آیه‌ی شریفه ﴿وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ﴾^۶ و الَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَانَكُمْ فَأَتَوْهُمْ نَصِيحَتُهُمْ، إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا^۷ مضاعف شریعت واقع شده است، به نوعی همان بیمه‌ی تعاونی می‌باشد، چرا که به موجب این قرارداد برده‌های آزاد شده‌ای که فاقد پشیمان قبیل‌ه‌ای و حامی مالی بودند، در قبال بخشیدن ماترک خود (غیر از سهم الإرث زوجة) بعد از فوت تحت حمایت دیگران و برعهده گرفتن جبران خسارت و جنایت‌های احتمالی خود و پذیرش مسئولیتش از سوی آنان در می‌آمدند. بنابراین متعهد شدن شخصی که جنایتی از او سر نزده و بروز خسارت منتسب به او نیست، به جبران خسارت و قبول مسئولیت دیگری امر مستحدث و غیر مسبوق به سابقه‌ای نمی‌باشد.
۳. بیمه‌ی تعاونی همان عقد ضمان شرعی باشد — احتمال دارد بیمه‌ی تعاونی مصداقی از عقد ضمان شرعی و نقل ذمه باشد، یعنی هریک از اعضاء درصد مشخصی از خسارت‌های احتمالی دیگر اعضاء تا سقف آورده‌ی خود به صندوق را برعهده گیرد.

^۱ برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع کنید به کتاب مفهوم التأمين التعاونی - دراسة مقارنة، تألیف وهبة الزحیلی.

^۲ بقره ۱۷۷

^۳ ابراء ۳۴

^۴ (مسألة ۷): الظاهر صحة التأمين بالتقابل؛ وذلك بأن تتفق جماعة على تكوين مؤسسة فيها رأس مال مشترك لجبر خسارة ترد على أحدهم. و هذا أيضاً صحيح على الأظهر، و هو معاملة مستقلة أيضاً؛ مرجعها الالتزام بجبر خسارة من المال المشترك في مقابل جبر خسارة كذلك. ويمكن أن يقع العقد بنحو عقد الضمان؛ بأن يضمن كل خسارة شركائه بالنسبة في مقابل ضمان الآخر، إلا أن الأداء من المال المشترك. ولكن الأظهر فيه الالتزام بجبر الخسارة في مقابل جبر بنسبة مالهم المشترك من ذلك المال. و هذا العقد لازم. ويحتمل أن يكون عقد شركة التزم كل في ضمنه خسارة كل واحد منهم، وحينئذ يكون جائزاً لا لازماً.

الخميني، السيد روح الله، تحرير الوسيلة، ط نشر آثار، جلد ۲، صفحة ۶۵۰.

^۵ مائدة ۱

^۶ نساء ۳۳

مشکل اساسی این راه حل ضمان ما لم یجب بودن آن است زیرا هنگام انعقاد چنین قراردادی هیچ خسارت و بدهی متوجه اعضا نیست تا دیگران آن را به ذمه‌ی خود منتقل نمایند. بنابراین چنانچه به موجب محذور عقلی و یا اجماع ضمان شرعی را فقط در فرض مشغول الذمه بودن مضمون عنه صحیح بدانیم (کما علیه المشهور)، بیمه‌ی تعاونی نمی‌تواند یکی از مصادیق عقد ضمان شرعی محسوب شود.

چه بسا گفته شود که حتی اگر ضمان ما لم یجب هم صحیح باشد، باز هم بیمه‌ی تعاونی نمی‌تواند تحت ضمانت شرعی قرار گیرد، چون با توجه به اینکه تعداد اشخاص متضرر و خسارت دیده معلوم نیست، براساس این نوع قرارداد مضمون به مجهول خواهد بود و روشن نیست که هریک از اعضا چه مقدار از خسارت‌های دیگر اعضا را تا سقف آورده‌ی خود به ذمه‌ی خویش منتقل می‌نماید (مثلاً در فرضی که یک عضو متحمل خسارت شود، تمام آن به ذمه‌ی دیگران منتقل می‌شود اما در فرضی که دو عضو متحمل خسارت شوند، به حسب آورده‌ی دیگر اعضا نصف خسارت عضو اول و ثلث خسارت عضو دوم به ذمه‌ی آن‌ها منتقل می‌شود)؛ لکن می‌توان گفت که مضمون به در حقیقت به صورت درصد مشخص و معلوم است یعنی مثلاً چنانچه صندوق بیمه متشکل از صد نفر باشد، هر عضوی از ابتدا یک درصد خسارت هر عضو دیگری را به ذمه‌ی خود منتقل می‌نماید.

4. بیمه‌ی تعاونی یک نوع التزام تکلیفی باشد — احتمال دارد هر یک از اعضا براساس عهده‌دار شدن خسارت دیگران تا سقف معینی، صرفاً خود را ملزم به تدارک و جبران نموده باشند، نه اینکه به همان مقدار مدیون و بدهکار هم باشند. این الزام تکلیفی نوعاً براساس ضمان عهده یا ضمان نقل ذمه صورت می‌گیرد و میزان عهده‌دار شدن هر عضوی به صورت درصد (مثلاً چنانچه صندوق بیمه متشکل از صد نفر باشد، هر عضوی یک درصد خسارت هر عضو دیگری را عهده‌دار می‌شود) مشخص است و آورده‌ی هر عضوی محل تأمین ایفای تعهد او خواهد بود.

به این راه حل نیز اعتراض شده است که اولاً در صندوق‌های بیمه‌ی تعاونی اعضا صرفاً الزام تکلیفی به تدارک و جبران خسارت سایرین ندارند بلکه بدهکار و مشغول الذمه نیز می‌باشند، و ثانیاً متعهد شدن به جبران خسارت قبل از وقوع آن هم با محذور ضمان ما لم یجب مواجه خواهد بود.

5. بیمه‌ی تعاونی همان عقد شرکت باشد — احتمال دیگری که وجود دارد عبارت از آن است که بیمه‌های تعاونی در حقیقت یک عقد الشریکه (نه فقط شرکت قهری ناشی از امتزاج اموال) باشد، یعنی چند نفر به هدف رفع احتیاج دیگران و تأمین خسارت‌های احتمالی آنان اقدام به انعقاد یک شراکت از طریق انعقاد عقد نموده‌اند.

محذور اساسی این راه حل آن است که عقد شرکت از جمله‌ی عقود جائز است و قابلیت فسخ یکجانبه را دارد (برخلاف سه راه حل قبل)، درحالی که در بیمه‌های تعاونی اعضا تا أجل معین حق فسخ و کناره‌گیری از آن را ندارند. اگر گفته شود که هرچند عقد شرکت به خودی خود قابل فسخ است اما از طریق شرط ضمن عقد می‌توان شرکاء را ملزم به عدم جواز فسخ یک سویه نمود؛ باید گفت که اولاً این چنین شرطی صرفاً موجب حرمت فسخ یکجانبه هست اما عقد شرکت همچنان با کناره‌گیری هریک از اعضا منفسخ خواهد شد، و ثانیاً وجوب پایبند بودن به شروط ضمن عقد جائز مادامی است که اصل آن عقد جائز باقی باشد پس چنانچه اصل آن عقد فسخ گردد، شروط ضمن آن نیز وجوب و فاء نخواهد داشت.

محذور دیگری که برای این راه حل مطرح شده نیز عبارت از آن است که عقد الشریکه شرعی عموماً به هدف جلب منفعت و کسب سود منعقد می‌شود اما اینکه شرکتی به هدف همیاری منعقد شود و ممضاه شارع باشد محل تردید است.